

## آیا واقعا آقای کرزی مشت منافقین را باز کرد؟!

قضیه انتخابات برای دومین دوره ریاست جمهوری در پرتو قانون اساسی جدید کشور از مدت بیشتر از یکسال است که مورد بحث های داغ حلقه های ذیعلاقه قرار گرفته، زد و بند ها، پیش بینی ها و دور اندیشی های مختلفی را همراه داشت. در بین میان سردرگمی کمیته برگزاری قانون اساسی در مورد تعیین دقیق تاریخ برگزاری انتخابات، آب بیشتری در آسیاب حدس و گمانها فرو ریخت.

کمیته برگزاری انتخابات هم خودرا بمثابه قوه چهارم دولت ( اگر خودرا جزء دولت بداند)، ویا قوه مجزاء از دولت که اراده اش مافوق اراده دولت و نص صریح قانون اساسی کشور میباشد، تبارز داده هر بار نظرات گنگ و مبهمی در قسمت برگزاری انتخابات و تاریخ ان ارائه میکرد.

این کمیته در طول چندین سالی که بیهانه انجام این منظور دفتر و دیوانی را مصروف نگه داشته بود، چنان نشان داد که وی را به قوانین و تعهدات ملی، که بالای همه آنها قانون اساسی قرار دارد، هیچ دخل و غرضی نیست، و الا قانون اساسی در مورد زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری صراحت کامل دارد و مخالفت با قانون اساسی اصلا جای بحث و گفتگو را ندارد.

اینکه دلائل ارائه شده از جانب کمیسیون مستقل انتخابات، مبنی بر تأخیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از موعد تصریح شده ان در قانون اساسی کشور، تا کدام اندازه بجا بود، چیزی است که باید افراد متخصص در قانون به ان برسند، اما نکاتی هم است که به هر هموطن ما و از جمله برای من هم جای بحث را در ان باز نگه میدارد، اینست: که چرا رئیس جمهور منحیث فرد اول دولت، در طی چند هفته گذشته از موضعی به موضعی در خیز و پرش بود؟!.

انچه از نشست خبری آقای کرزی ( تاریخ ۷ مارچ / آژانس اطلاعاتی باختر) معلوم میشود، اینست که آقای کرزی در این حرکات و ژستهایی که گرفت خواست تا مشت عده بی را در برابر مردم و تاریخ باز نماید.

انگاهی که زمزمه های تأخیر در موعد برگزاری انتخابات شنیده شد، بگوش ما همزمان مخالفت عده بی، چه فردی و یا هم گروهی بلند گردید. وزمانی که این تأخیر از جانب کمیسیون مستقل (!!!) انتخابات اعلان گردید، سرو صداها هم بلند تر شده، هواخواهان (( حقیقی یا تقلبی )) قانونیت در افغانستان خواهان احترام بقانون اساسی کشور شدند و مخالفت با ان را، کاری غیر اصولی و خلاف دانستند.

بنظر من این قانون پسندان در فکر این بودند که آقای کرزی ازین تأخیر سود میبرد، لذا بنا بر منطق و شخصیت های عقده بی خود مخالفت با ان را شروع کردند.

چندی بعد ظاهرا آقای کرزی خودرا در مخالفت با قرار و فیصله کمیسیون انتخابات نشان داده، خود را مطابق درخواست معترضین، حامی قانون اساسی ساخته و **فرمانی** را در این زمینه صادر کرد که: انتخابات باید مطابق قانون اساسی، قبل از ختم دوره ریاست جمهوری برگزار گردد! بلافاصله همان مخالفین قبلی از هر گوشه بی صدایی در مخالفت با این فرمان بدر کرده، اینبار فرمان کرزی ( رئیس برحال دولت ) را در تطبیق قانون اساسی، کار غیر قانونی دانسته و برای ان حجت و برهان آوردند که کرزی از این کار ( انتخابات مطابق به صراحت قانون اساسی) بنفع خود استفاده میبرد. وطبعاً موقف و وضعیت هواخواهان تطبیق قانون اساسی هم تغییر کرد، زیرا این قماش افراد دیگر هیچ غم و همی ندارند مگر مخالفت!، برایشان مصلحت عموم مردم، وطن، و حتی نسل های آینده هم مطرح نیست، اینها منتظر اند تا حریف! را ببینند که چه میکند، انگاه در تضاد با حریف موضع خود را محکم میگیرند، و برای نظر و فکر خویش قطاری از دلائل و علل را پیهم میبندند.

باز هم کرزی موضع خودرا تغییر داد و صراحتاً از فیصله کمیسیون انتخابات، پشتیبانی خود را اعلام داشت، اینجا همانگونه که از محتوای صحبت های کرزی معلوم میشود، هدف وی بر ملاکردن چهره های حرفوی مخالفینش بوده است، چون کرزی خودش هم از ابتدا ( بنا بر گفته های وی در نشست خبری اش) طرفدار تأخیر انتخابات بود.

در این جار و جنجال انتخابات، چند نکته برانزده، تجلی خاصی برای خود دارد:

۱ - موضعگیریهایی متناقض و عقده‌یی، گروهها و افرادی که دائماً خود را در تریبون اپوزسیون میخ میکنند، همیشه با حریف شان روی مصالح فردی و گروهی در تضاد و مخالفت قرار دارند. از دید ایشان هرگز و هیچگاهی حریف شان کار درست انجام نمیدهد، و خودش هم هیچوقتی کار نادرستی نکرده و نمیکند!! و یا اینکه تازمانیکه نفع میبرند و یا در کرسی های بلند نصب شده اند، هیچ مخالفتی ندارند، اما همینکه از منافعشان کاسته شد سر مخالفت و ناسازگاری را میگیرند.

قابل یاد اوری است، انعهه افرادی که مخالفت شان نه روی مصالح فردی و گروهی است، حسابشان از افراد یاد شده در بالا جدا است. اینگونه مخالفین و معترضین در صورت عدول حریف شان از نظر خود، پشتیبانی صریح خود را از وی اعلان میکنند، نه اینکه باز هم مخالفت را دوام دهند.

۲ - استفاده کرزی از وضعیت نا منسجم مخالفین قسم خورده اش، با تغییرات تاکتیکی در تحدید تاریخ انتخابات، قسمی که از جانبی دست و دهان حریف را ببندد، و از جانبی هم دوره ریاستش را تا ختم انتخابات رنگ قانونی بدهد، آنها با استفاده از موضعگیری های قبلی مخالفین خود، و این حرکات کرزی میرساند که وی هم روی حسابات شخصی خودش، بخاطر تطبیق قانون اساسی کشور میگریست نه بخاطر قدسیت قانون اساسی.

۳ - موضعگیری قوت ها و قدرت های صاحب نفوذ بین المللی و کشورهاییکه زیر نام کمک به افغانستان، میخواهند در افغانستان حکومتداری کنند.

در اینجا به موقف حکومت امریکا که در تصریح وزارت خارجه شان، مخالفت خود را با فرمان رئیس دولت یک کشور بخاطر پیاده کردن قانون اساسی، ابراز مینمایند و بجائیداری از کمیته برگزاری انتخابات داخل معرکه میشوند، میتوان اشاره کرد. این کشورها نباید بخود اجازه دهند تا در هر قضیه داخلی کشور دیگری ببهانه اینکه ما چند پولی میدهم، مداخله نمایند. اینها اگر خواهان خیری برای ما میبودند باید کمیته برگزاری انتخابات را با دادن بودجه مورد ضرورت شان در وقت مناسب ان( که ان کمیته درینمورد شکایت ها داشت)، تعقیب پروسه کاری آن کمیته، تا کارش را بوقت معینه ان، همانگونه که قانون اساسی کشور حکم میکند انجام دهند. و هم چنان در ایجاد فضای مطمئن برای انتخابات در کشور، که تعهد آوردن یک فضای آرام را در افغانستان کرده بودند و برای ان اینهمه ساز و برگ نظامی را در کشور ما آورده اند، با کارهای سود مند و زیر بنایی میکوشیدند. نه اینکه با بمباردانهای وحشیانه بر قراء و دهات ما فاصله میان مردم و دولت ایجاد نموده، سبب تقویت صفوف مخالفین گردند، و در نتیجه مردم ما در یک جحیم از بد بختی ها سرگردان باقی بمانند.

پایان